



درباره فیلم سینمایی «پیپرس» - که بالاخره در هشتمین روز تنور جشنواره را گرم کرد

## بهترین فیلم جشنواره - که در جشنواره حاضر نیست!

اکنای برهانی یک نقطه استارت- و پرش - بزرگ بوده است. دوره‌ای که - شاید هم به خاطر محدودیت‌های مقرراتی و دستورالعملی- مجوز ورود این فیلم سه ساعت و بیست‌وسه دقیقه‌ای به بخش رقابتی جشنواره صادر نشد؛ اما در عمل یک اکران تک‌سانس نه تنها این فیلم را وارد خاطره جمعی جشنواره فیلم فجر کرد، بلکه اکنای برهانی را نیز در چشم برهم‌زدنی وارد پانتئون سینماگران برجسته سینمای ایران کرد- که حداقل از نظر داشتن فیلمساز خوب چندان هم فقیر نیست!

📌 [امین فرج‌پور] با هر متر و معیاری «پیپرس» اکنای برهانی نه فقط بهترین فیلم جشنواره بلکه حتی یکی از بهترین فیلم‌های سینمای ایران در یکی دو دهه اخیر بوده است. این را تک‌تک منتقدین و دیگر اهالی رسانه که در هشتمین روز جشنواره تا ساعت دو و نیم صبح در سالن رسانه‌ها این فیلم را تماشا می‌کردند (با حداقل درصد قابل توجهی از این جماعت؛ به شرطی که تحت تاثیر و سلطه شعرهای ایدئولوژیک هنر و فرهنگ استبدادزده قرار نگرفته باشند)، گواهی خواهند داد. از این منظر می‌توان گفت که جشنواره امسال برای

تومان احساسات و غرایز خام انسانی و مسائل اجتماعی است؛ دیگری بازی حیرت‌انگیز حسن پورشیرازی که با فاصله‌ای بعید نسبت به تمام کارنامه پرپرگش درخشان و در اوج است؛ دیگری اقتباس هوشمندانه نویسنده این فیلم از شاهکارهایی مانند «پدران و پسران ایوان گوئیف» و «برادران کارامازوف» داستایوسکی (و طعنه‌آمیز که اکنای برهانی در اولین فیلمش هم از «جنایت و مکافات» همین نویسنده اقتباس کرده بود نشان دهد ذهنی که با ادبیات پرورش یافته، همواره از این سرچشمه عظیم چه بهره‌ها که می‌تواند ببرد!؛ و آخری هم حضور جادویی لیلحاتی که نه تنها ستون اصلی این فیلم و دلیل اصلی جذابیت آن، بلکه اصلا به نظر می‌رسد دلیل اصلی ساخته شدن این فیلم بوده است. بازیگری که «پیپرس» نه تنها از وجودش بهره‌می‌گیرد و دنیاودانستان خود را پیش می‌برد، بلکه به نظر می‌رسد که در تک‌تک لحظات به تحسین و ستایش او و حضورش جلوی دوربین نشسته است. حضوری که در همیشه همین بس؛ که «پیپرس» فیلمی شده که بدون حضور لیلحاتی، با هر بازیگر دیگری از هر جای دنیا و با هر میزان قدرت و جذابیت و جایگاهی، قابل تصور نیست.

بازیگران اصلی اش - به ویژه لیلحاتی و حسن پورشیرازی- مورد تحسین منتقدان قرار گرفته است. این فیلم در واقع بانگاه دقیقی که به روابط پیچیده خانوادگی و مسائل اجتماعی و البته روانی اجتماع امروز این سامان- به خصوص با توجه به نگاهی که به زندگی مردان مجرد میانسال و تبعات ذهنی و روانی و البته اجتماعی این نژد نه چندان خودخواسته- دارد؛ آینه‌ای شفاف‌پیش‌روی بخش‌زایدی از تماشاگران فیلم است و در واقع تماشاگران فیلم هر کدام بخشی از خود و شرایط حاکم بر زندگی خود و گوشه‌ای از اجتماع پیرامون خود را در این فیلم می‌یابند و می‌بینند.

### در ستایش بازیگران

محاسن «پیپرس» البته به رویکردها و کارکردهای روانی- اجتماعی آن و ترسیم مختصات دقیقی از جامعه امروز ایران محدود نمی‌شود و این فیلم بسیار چیزهای دیگر هم دارد- که به ماندن به وقتی که نمایش گسترده آن برای تماشاگران انبوه مجالی بیشتر و فرصتی بهتر برای نوشتن به دست دهد. در این بین البته یادآوری چند نکته را لازم می‌دانم- که اولی کارگردانی ماهرانه اکنای برهانی در نمایش

### فیلمی در تراز جهانی

گذشته از این که فیلم «پیپرس» از نظر فنی و تکنیکی و سطح بازی‌ها و مسایلی از این دست یک سر و گردن از دیگر فیلم‌های چند سال اخیر سینمای ایران بالاتر است (و از این نظر می‌توان آن را در کنار «برادران لیل» قرار داد)؛ اما ارزش و اهمیت اصلی فیلم در نوع پرداخت و تصویری است که این فیلم از یک خانواده سمی تحت تاثیر و سلطه پدری واقع‌بد و سمی ارائه می‌دهد؛ و با تاکید و وضوح نشان می‌دهد که سلطه پدرسالارانه چگونه به اضمحلال تدریجی و در نهایت به مرگ محتوم خانواده منتهی می‌شود- و در واقع «نه‌از‌تک‌نشانی می‌ماند و نه از تک‌نشان». این داشته‌ودارایی اصلی این فیلم است که باعث می‌شود آن را در برج عاج سینمای ایران جای دهیم. در پانتئون فیلم‌هایی که در عین این‌که روایت داستان و در کل: سرگرمی‌رایه بهترین شکل ممکن بلند و انجام می‌دهند؛ که در لایه‌ای دیگری کوشند تحلیلی از دنیا و زیست امروز این اجتماع بحران‌زده نیز به نمایش گذارند و تحلیلی از امروز و آن چه باید باشد به دست دهند. این مهم‌ترین ویژگی «پیپرس» اکنای برهانی است که به دلیل نمایش صریح اختلافات و روابط بیمار خانوادگی و بازی‌های درخشان

فیلم سینمایی «پیپرس» را اکنای برهانی ساخته که پیش از ساخت این فیلم به عنوان فرزند رضا برهانی شناخته می‌شد- که به عنوان نویسنده آثاری مانند «رازهای سرزمین من»، «آواز کشتگان» و بی‌شمار آثار درجه یک دیگر هنوز و هم چنان در اذهان بسیاری از اهالی کتاب و قلم جایگاهی درخور دارد. اکنای برهانی، اما از دیروز، یعنی درست از لحظه‌ای که «پیپرس» در کاخ جشنواره برای اهالی رسانه به نمایش درآمد؛ صاحب جایگاهی قابل مقایسه با جایگاه برجسته پدرش شده است. این فیلم که با بازی لیلحاتی، حامد بهداد، حسن پورشیرازی و محمدولی زادگان داستان دو برادر میانسال تحت سلطه پدر مستبدشان را روایت می‌کند که زندگی‌شان با ورود یک مستاجر مطلقه جذاب به طبقه بالای خانه کهنه‌شان به طور غیرمنتظره‌ای تغییر می‌کند؛ چنان جذاب، عمیق و غنی است که حتی برخی از منتقدین دقیق‌ی بعد از پایان فیلم در رسانه‌های اجتماعی‌شان آن را فیلمی در تراز جهانی ارزیابی کردند- و نکته این‌که چنین نظرانی نه نشان از جوزدگی داشت و نه اندک رنگ و بویی از اغراق در آن به چشم می‌خورد...

### از نگاه رسانه

## رونمایی از یکی از بهترین بدمن‌های تاریخ سینمای ایران

خوشنوی که در فصل پایانی فیلم به تصویر کشیده شد، تاکنون در سینمای ایران تجربه نشده است اما ای‌صاف نشان دادن چنین خوشنوی می‌بایست منجر به توقیف طولانی مدت این فیلم شود؛ یا حتی اگر بحث بالاتر بگیرد و ممیزی از مجرای تصویرگری رقابت‌عشقی پدرپرسی بر سر یک دختر عنوان شود، آیا این نیز می‌تواند مانع از نمایش یکی از بهترین ساخته‌های چند سال اخیر سینمای ایران شود؟ اکنون و با تغییر سبک زندگی مردم و البته در دسترس بودن تولیدات بین‌المللی، تکلیف نمایش آثاری از جنس «پیپرس» کاملا مشخص است. سینمای جهان نیز برای نمایش این آثار، راهکارهایی دارد که وقت آن رسیده، سینمای ایران هم‌بازی آن‌ها کارها، از مقولاتی چون «توقیف» عبور کرده و زمینه اکران عمومی این فیلم‌ها را فراهم کند. و در آخر اینکه سینمای ایران تا همیشه، یک سیم‌رغ به حسن پورشیرازی و اکنای برهانی بدهکار است.

افت نداشته باشد. «پیپرس» قطعا یکی از بهترین بدمن‌های تاریخ سینمای ایران را رونمایی کرد. حسن پورشیرازی با ارائه یک بازی چندلایه، مرثیاتی از عشق، هوس، قلدری، خشم، نفرت و انتقام را به تصویر کشید که مشاهده‌تومان این هیجانات، تاکنون در هیچ بدمن سینمای ایران مشاهده نشده بود. یک بازی به‌غایت زیرپوستی که قطعا در حافظه تاریخی سینمای ایران سرزمین به یادگار خواهد ماند. سوال مهمی که اکنون به ذهن می‌رسد آن‌که چرا این فیلم بیش از ۲۰ سال است که در محاق توقیف به‌سر می‌برد؟ فیلمی که از استانداردهای بالای جهانی در مضمون و اجرایی‌خوردار است، چرا باید تا این اندازه مورد بی‌مهری مدیران سینمایی وقت قرار بگیرد؟ فیلمی که اگر در همان سال ۱۴۰۰ در جشنواره به روی پرده می‌رفت، قطعا می‌توانست آینده سینمای کارگردان و برخی عوامل اصلی پروژه را تغییر داده و اتفاق‌های به‌مراتب مهم‌تری را برای آنها رقم بزند. قطعا میزان

ایرنا «پیپرس» قطعا یکی از بهترین ساخته‌های چندسال اخیر سینمای ایران است که تمامی اجزای تولید آن در یک هارمونی معنادار، در اوج قرار دارند و در برخی شاخه‌ها نظیر بازیگر نقش اول مرد و کارگردانی، حتی می‌توانند تراز حرفه‌ای‌گری را به‌تنهایی به نفع خود جابه‌جا کنند. «پیپرس» یکی از بهترین آثار چند سال اخیر سینمای ایران محسوب می‌شود؛ فیلمی پیشرو و قطعا بالاتر از استانداردهای درام‌سازی این سال‌های ایران. یک روایت پرنفس و پرکشش دارد که می‌تواند برای ۲۰۰ دقیقه، مخاطبش را کنج‌کاو نگه‌دارد. تمپویی جادویی دارد که مدام از ریتم به رونمسی و دلپره تغییر مسیر می‌دهد و جالب آن‌که در تمامی این خوانش‌ها، موفق بیرون می‌آید. در سینمایی که بسیاری از تولیدات آن، در او کوردوریتیم، نوسان دارند و باگ‌های مشهودی به خود می‌بینند، بسیار مهم است که فیلمی بتواند طی بیش از ۳ ساعت، خود را در اوج نگهدارد و برای لحظاتی هم

نگاهی به فیلم «بازی را بکش»

## قهرمان رانکش!



محمدا حاجی] فیلم سینمایی «بازی را بکش» نخستین ساخته بلند سینمایی محمد ابراهیم عزیزی در کسوت کارگردان است. این فیلم که مبتنی بر یک داستان واقعی ساخته شده، روایتی زندگی‌موسی (با بازی موسی کبابی) از پیشکسوتان فوتبال یکی از مناطق شمالی کشور است که برادر خود را در یک سانحه ورزشی رانلود از دست می‌دهد. موسی پس از این اتفاق، در پی کشف راز مرگ برادرش برمی‌آید و در این مسیر با مسائل و مناسبات غیرمنتظره‌ای در پشت پرده فوتبال مواجه می‌شود.

«بازی را بکش» خیلی زود و بدون مقدمه چینی آغاز می‌شود و از این حیث، مخاطب را چندان منتظر نمی‌گذارد. فیلم نامه‌روی سوزگه‌گیر و مملتی دست‌گذاشته است و فیلمساز در مسیر روایت پردازی اش می‌کوشد تا عنصر تعلیق را جاشنی کار خود کند. کوشش کارگردان در این راستا تا نیمه نخست فیلم، نسبتاً موفق از آب درآمده است اما از نیمه دوم به بعد، این تمهید رفته‌رفته کارکرد خود را از دست می‌دهد و فیلم‌نامه دیگر بضاعت چندانی برای افشای اطلاعات جذاب در چنته ندارد. اولین فیلم بلند داستانی محمد ابراهیم عزیزی می‌کوشد تا یک درام ورزشی قصه‌گو باشد و با اتکا به خصیصه مهم قصه‌گویی، مخاطب را تا پایان داستان با خود همراه کند اما در این مسیر بدون نوسان عمل نمی‌کند و گاه دچار لکت و سردرگمی می‌شود. حسن جلیلی در کسوت فیلم‌بردار، عملکرد قابل قبولی دارد و لانگ‌شات‌های او از طبیعت زیبای شمال ایران، خوش‌رنگ و لعاب از آب درآمده‌اند. موسیقی متن اثر هم تا حد قابل قبولی توانسته به‌استخدام لحظات احساسی روایت درآید. از حیث نقش‌آفرینی بازیگران هم به جز کاراکتر اول فیلم یعنی موسی که بازی روان و باورپذیری دارد، سایر کاراکترها ثنودی عادی دارند. اما اشکال مهم «بازی را بکش» به جایی بازمی‌گردد که فیلمساز، فساد را قاعده‌ای سیستماتیک تلقی و القاء کرده و آن را در کنار تعارض منافع به تمام ارکان خرد و کلان فوتبال (اعم از ساختارها و افراد) تعمیم می‌دهد. این امر به وضوح در دیالوگی از موسی که «کنافت همه چیز رو گرفته» متبلور می‌شود. بدین ترتیب، مواجهه رادیکالیستی فیلمساز با مسئله فساد و تبانی در فوتبال، علاوه بر اینکه نقش بازدارنده نهاد‌های نظارتی را نادیده می‌گیرد، هیچ استثناء و نقطه سفیدی هم باقی نمی‌گذارد. تاکید بر چنین موضع تند و نه‌تنهایی می‌تواند مولد بی‌اس و سرخوردگی اجتماعی باشد. آن‌هم در جامعه ایران که فوتبال رشته بسیار پرطرفداری نزد جوانان و نوجوانان به شمار می‌آید و انگیزه‌های فراوانی برای ورود به آن وجود دارد- بلکه چهره بزرگان فوتبال ایران به‌ویژه پیشکسوتان با اخلاق این رشته پرطرفدار که برخی از آنها به‌رغم مشکلات و تنگناهای مالی، همواره نمادومندی فوتبال پاک بوده‌و مانده‌اند را هم مخدوش می‌کند.

### فیلم‌های امروز

و در نهایت رسیدیم به آخرین روز جشنواره- و امروز شاهد نمایش دو فیلم «خدای جنگ» و «گوزن‌های اتوبان» خواهیم بود. «خدای جنگ» به عنوان سومین فیلم حسین دارابی که در چند سال گذشته فیلم‌های «صلحت» و «هناس» را در جشنواره داشت؛ با بازی ساعد سهیلی، داریوش کاردان، حسین سلیمانی و احمد یآوری بر زندگی شهید حسن طهرانی مقدم تمرکز کرده- و آن‌گونه که گفته می‌شود روایتی حساس از یک اتفاق مهم معاصر را نیز به تصویر کشیده است. آخرین فیلم جشنواره نیز- تاکنون پیش از اعلام فیلم‌های بخش ویژه- «گوزن‌های اتوبان» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفاری است. پرربازبگرتین فیلم جشنواره با حضور الناز شاکردوست، نوید پورفرج، صدف اسپهبدی، سامان صفاری، بهنوش بختیاری، پیمان قاسم‌خانی، ندا حسینی و بسیاری دیگر؛ که یک فیلم متفاوت و هیجان‌انگیز اجتماعی درباره فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی خواهد بود.



### جشنواره

### گلابه‌های جهانگیر الماسی از مافیای سینما

کارگردان و بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون می‌گوید که «یک روزی نوبت ما هم می‌رسد. بالاخره در کوچه ما هم عروسی می‌شود. نه عضو تیمی و گروهی و نه عضو مدرسه‌ای هستم فقط می‌دانم یک مافیای پنهانی هم وجود دارد که من نمی‌شناسم». به گزارش ایرنا؛ جهانگیر الماسی گفت: «من از بنیانگذاران سینمای بعد از انقلاب هستم، شاید اولین فیلم‌ها را من کار کردم. اولین فیلم‌هایی که در جامعه جهانی جایزه برده، فیلم‌های من بود. اما متأسفانه یک سری مجموعه عکس وجود دارد که در آنها عکس کسانی که اصلا در سینمای بعد از انقلاب هیچ مشارکتی نداشتند، هست اما عکس من علیرغم اینکه جایزه‌های اول را گرفته‌ام نیست؟ عکس آدم‌هایی هست که شما تعجب می‌کنید. در بزرگداشت‌های صدمین سال سینما هم همینطور است. احساس می‌کنم یک دست پنهان و یک نیرویی وجود دارد که هر جا من هستم من را حذف می‌کنند. من چه خطا و چه کاری کردم؟؟ این پیشکسوت سینما و تلویزیون گفت: «سالیهاست با این تفکر دارم مبارزه می‌کنم. نه عضو تیمی و گروهی و نه عضو مدرسه‌ای هستم فقط متعلق به این سرزمینم و به مردمانش عشق می‌ورزم و هیچ تعلق خاطری به هیچ‌کدام از این دسته‌جات ندارم. اکبر عبدی مال شماس است؟ داریوش ارجمند با شماس است؟ چهل سال است جشنواره هستم چرا این برخورد با من می‌شود؟ در همین جشنواره ۱۲ بار داور بودم. یک مافیای پنهانی وجود دارد که من نمی‌شناسم». جهانگیر الماسی درباره بازیگری در سینمای ایران نیز می‌گوید که: «دوران بازیگری تمام شده است و معنا ندارد. دانشگاه تهران، آزاد و ۱۰ دانشگاه دیگر فارغ‌التحصیل رشته بازیگری دارند؛ اما آقایان یک آقایی را از فوتبال، کشتی و رابطه خصوصی شبانه به سینما می‌آورند، جایزه و دستمزد‌های آن چنانی هم به او می‌دهند. همه اینها هم بالود بازی و اسامش را هم می‌گذارند کم‌دی. این کم‌دی نیست. این لوده بازی است. کم‌دی، چارلی چاپلین است. کم‌دی حتی جری لوئیژ و نرمن ویزدوم است. کم‌دی ما را حرام صدر، حتی وحدت، کم‌دی کلام و نقض اصفهانی است. اشکالمان در سینما همین است که برخی تصمیم‌گیرندگان ما شناختی از آن اصلا ندارند».

### از نگاه تماشاگران

### «موسی» و فیلم‌هایی که پسندیده‌شدند

خانه سینما نتیجه شمارش آرای فیلم‌های نمایش داده شده تا پایان روز هشتم جشنواره فیلم فجر توسط ستاد انتخاب فیلم برگزیده از نگاه تماشاگران این رویداد را اعلام کرد. به گزارش روابط عمومی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، فیلم‌های «بچه مردم» به کارگردانی محمود کریمی، «موسی کلیم الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری، «ناوردشت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان، «رها» به کارگردانی حسام فرهنگ، «زیبا صدایم کن» به کارگردانی رسول صدرعاملی و «خدای جنگ» به کارگردانی حسین دارابی فیلم‌های برگزیده جشنواره از نگاه تماشاگران جشنواره فیلم فجر هستند.

### نقد احمد رضا درویش بر فیلم «اسفند»

### «اسفند» بسیار دلنشین است

«اسفند» یک زندگی قابل باور را به تصویر می‌کشد. کاردار، عکس‌ها و تصاویری که در فیلم به مخاطب ارائه می‌شود، جذاب هستند و این جذابیت را فقط می‌شود بر پرده سینما درک کرد. به نکات زیادی درباره فیلم «اسفند» می‌توانم اشاره کنم؛ از جمله رابطه‌ای که میان پشت‌صحنه و جلوی‌صحنه فیلم کاملا مشهود است. یعنی پشت‌صحنه فیلم هیچ تضادی با آن چه که جلوی دوربین از منظومه قلمروی خورستان طراحی شده، نداشته است. بعضا مشاهده می‌کنیم که آن چه در گذشته افتاده است، خیلی تفاوتی با آن چه در فیلم می‌بینیم، ندارد. فیلم یک زندگی قابل باور را به تصویر می‌کشد. تدوین، موسیقی، صداپردازی، بازی بازیگران و دیگر نکات فیلم بسیار خوب است. همچنین فضا‌سازی‌هایی که در فیلم به‌انجام شده بسیار دلنشین است. کاردارها، عکس‌ها و تصاویری که در فیلم به مخاطب ارائه می‌شود، جذاب هستند و این جذابیت را فقط می‌شود بر پرده سینما درک کرد و فهمید و نه در کادر کوچک تلویزیون؛ یعنی فیلم کاملا برای سینما ساخته شده است و عناصر سینمایی در آن محسوس است و به چشم می‌آید. من به عزیزان خلایق که با همت بلند خود در ساختارهایی مثل سازمان اوج و نهاد‌های دیگر، بارهای بر زمین مانده را به خوبی بلند می‌کنند و به خوبی هم از عهده آن برمی‌آیند، خیلی امیدوار هستم.